

آئین زرتشت از دیدگاه ما

تاریخ نامعلوم زندگی «زرتشت»:

«ابراهیم پور داود»، که عموم زرتشتیان وی را سرآمد اوستاشناسان اخیر می‌دانند، در دیباچه‌ای که بر «گاتها»^(۱) نگاشته، درباره تاریخ زندگی زرتشت می‌نویسد: «در این خصوص روایات به اندازه‌ای مختلف است که ابداً صلح و سازشی میان آنها نمی‌توان داد.»^(۲)

باز می‌نویسد:

«تحقیقاً نمی‌دانیم محل ولادت و زمان زندگانی زرتشت کجا و کی بود، چرا؟ برای آنکه زرتشت متعلق به یک زمان بسیار قدیم است که دست تاریخ به آستان بلند آن نمی‌رسد»^(۳).

تاریخ نامعلوم نگارش «اوستا» و تحریف آن:

در کتاب‌های زرتشتیان تصریح شده که اسکندر مقدونی کتاب اوستا را که در «دژ نپشنگ» نگاهداری می‌شد به آتش کشید. چنانکه «تنسر» - هیرید زمان اردشیر بابکان - در هزار و هفتصد سال پیش به «جسنفشاه» (پادشاه طبرستان) نوشت: «می‌دانی که اسکندر از کتاب دین ما دوازده هزار پوست گاو بسوخت به استخر»^(۴).

پس از نابودشدن اوستا چندبار آن را از روی حافظه‌ها گردآوری کردند، ولی هیچگاه به تمام آن دست نیافتند و آنچه گردآوری شد نیز از تغییر و تبدیل و اختلاف مصون نبود.

«پور داود» در دیباچه «گاتها» می‌نویسد: «تمام سخنان زرتشت را در دست نداریم، فقط جزو مختصری از آن‌ها به ما رسید»^(۵).

و درباره پُرشانی و تحریف اوستا می‌نویسد:

«به نامه مقدس ایرانیان در طی روزگاران مصائب فراوان وارد آمد، اگر سخن پریشان بنظر رسید، باید از کشاکش روزگار گله نمود، نه از سراینده»^(۶).

باز می‌نویسد:

«دینکرد (یکی از کتب زرتشتی)^(۷) ابداً در امور دینی مرمت کاری ندارد، پابند تعصب هم نیست، صراحتاً می‌گوید اوستایی که در دست داریم، آن کتاب مقدس قدیم نیست»^(۸).

پرواضح است آئینی که کتاب وحیانی آن تحریف شده باشد و تاریخ زندگانی پیامبرش هم به درستی معلوم نباشد، اگر بپذیریم که روزگاری در خور پیروی بوده است، امروز دیگر دورانش سپری شده و قابل تبعیت نیست.

(۱)- گاتها کهن ترین بخش اوستا به شمار می‌آید.

(۲)- گاتها، ترجمه پور داود، صفحه ۲۸ از دیباچه.

(۳)- گاتها، صفحه ۲۱ از دیباچه.

(۴)- به نامه تنسر با تصحیح مجتبا مینوی، صفحه ۱۱ نگاه کنید.

(۵)- گاتها، ترجمه پور داود، صفحه ۳۶ از دیباچه.

(۶)- گاتها، ترجمه پور داود، صفحه ۱۵ از دیباچه.

(۷)- دینکرد، کتابی در آداب و رسوم آئین زرتشتی است که به دست دو تن از موبدان برجسته در عصر مأمون (خلیفه عباسی) گردآوری شده است.

(۸)- گاتها، ترجمه پور داود، صفحه ۵۱ از دیباچه.

انصاف اسلام:

با این همه ما مسلمانان به پیروی از یک آیه قرآن و روایتی از پیامبر بزرگوارمان، زرتشتیان را از اهل کتاب می دانیم و زرتشت را محترم می شماریم، هرچند زرتشتیان متعصب قدر اسلام را نشانند! قرآن کریم از مجوسیان (= زرتشتیان) چنین یاد می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ

أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

«همانا کسانی که [به آئین اسلام] ایمان آورده اند و کسانی که یهودی و نصرانی و مجوسی شده اند، و کسانی که به شرک گراییده اند، خدا در روز رستاخیز میان شان داوری خواهد کرد، همانا خدا بر هر چیز گواه است.» (حج: ۱۷)

در این آیه شریفه واژه « مجوس » با واو عطف به یهود و صابئین و نصرانی معطوف شده و در ردیف اهل کتاب قرار گرفته است، در حالی که مشرکان به وسیله اسم موصول (الذین) از اهل کتاب جدا شده اند، و این خود نشان می دهد که قرآن کریم مُغان را با بت پرستانی که شریعت و کتابی ندارند، همسان نمی شمارد.

و محققان می دانند که رفتار اسلام با اهل کتاب چگونه است که در حفظ دین خود آزادند و بنا بر آیه ۸ سوره «ممتحنه»، با آنان - به شرط آنکه با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند- باید به دادگری و نیکی رفتار کرد و بنا بر آیه ۵ سوره «مائده»، می توان آنان را به میهمانی دعوت کرد و میهمانی آنها را پذیرفت، حق همسایگی با آنان را مراعات کرد، و... .

آئین شرک آمیز:

در گاتها، اهورامزدا با فرشتگان «مشورت» می کند! آیا دانش مطلق [= آفریدگار] نیاز به رایزنی با آفریدگان خود دارد؟!

در گاتها آمده است: ای مزدا، تویی پدر مقدس این خرد، ای کسی که جهان شادمانی بخش آفریدی و پس از مشورت با منش پاک^(۹) به توسط آرمتی به آن صلح و مسالمت دادی. (گاتها، ترجمه پور داود، ص ۱۰۱).

در گاتها قدرت اهورا مورد تردید قرار گرفته است، چرا که زرتشت از مزاد می پرسد:

از تو می پرسم ای اهورا، به راستی مرا از آن آگاه فرما آیا تو را قدرت آن خواهد بود که او را (دشمن را) به دستیاری راستی از من دور داری؟ (گاتها، ترجمه پور داود، ص ۷۷).

(۹)- منش پاک، ترجمه نام فرشته «وهومن» است که جا داشت، در اینجا مانند جاهای دیگر، مترجم نام فرشته را بیاورد نه ترجمه آن را.

احکام و رسوم خرافی:

«وندیداد»، تکلیف زنی را که کودکی مُرده بزاید چنین تعیین کرده است:

ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، نخستین خوراک و غذای این زن چه خواهد بود؟ اهورامزدا پاسخ داد و گفت: این زن باید یک مقدار خاکستر آمیخته با شاش گاو به اندازه سه لقمه، شش لقمه یا نه لقمه میل کند.^(۱۰)

در «وندیداد» عاقبت کسی که روی جسد مرده، یک نخ بیفکند چنین تعیین شده است:

اگر یک مزادپرست روی جسد مرده یک شیء کم ارزش ولو به قدر آنچه از دوک جولایی و نخریسی یک دختر جوان باقی مانده، بیندازد تا زنده است پارسا شمرده نمی شود و پس از مرگ در بهشت جای نخواهد داشت.^(۱۱)

در «وندیداد» نسبت به زنان حائض چنین آمده است:

این زن هرگاه پس از نه شب بازهم در خون حیض باشد چنین معلوم خواهد شد که دیوها در جشن و بزرگداشت خودشان آفت خود را به این زن نازل ساخته اند. مزداپرستان در این موقع باید یک معبر (گذرگاه) که از درخت و گیاه خالی باشد انتخاب نمایند و سه سوراخ در زمین بکنند و زن را در دو سوراخ اول با شاش گاو و در سوراخ سوم با آب شستشو دهند.^(۱۲)

البته این شستشو ویژه زن حائض نیست، زیرا وضو با «گمیز» یا «گومز» یعنی ادرار گاو (!) در آئین زرتشت شهرت دارد^(۱۳) و ظاهراً خبر همین قانون به «أبی العلاء معری» (شاعر عرب) رسیده که گفته است:

در شگفتم از خسرو و پیروانش که چهره‌ها را با شاش گاو می‌شویند!

و اما، دیگر احکام عجیب و غریب زنان حائض در «وندیداد»:

ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم مردی که برای این زن غذا و خوراک همراه آورد - زنی که نشان حیض دیده و یا در قاعدگی زنانه باشد - باید از وی در چه فاصله باشد؟

اهورامزدا پاسخ داد و گفت: مردی که برای این زن غذا و خوراک همراه آورد - زنی که نشان حیض دیده و یا در قاعدگی باشد - باید از وی سه گام فاصله داشته باشد.

در کدام ظرف باید نان برای وی همراه آورد، در کدام ظرف باید آب جو برای وی همراه آورد؟

در یک ظرف آهنی یا سربی و یا هر ظرف فلزی معمولی.

چه مقدار نان و چه مقدار آب جو باید همراه آورد؟

اهورامزدا پاسخ داد و گفت: دو قطعه نان خشک و یک مقدار آب جو - یا شربت جو - و از خوراک کم ممکن است ناتوان و ضعیف شود.

هرگاه وی را کودک لمس نماید باید دست‌ها و سپس تن کودک شستشو شود.^(۱۴)

(۱۰) - وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۱۲۸ [برای اطلاع بیشتر به جلد دوم وندیداد، با پژوهش آقای هاشم رضی، ص ۶۵۲ نیز بنگرید].

(۱۱) - وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۱۴۰.

(۱۲) - وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۲۴۰.

(۱۳) - برای دیدن این حکم به وندیداد، ج ۲، ص ۷۲۵ با پژوهش آقای هاشم رضی نگاه کنید.

(۱۴) - وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۲۳۹.

این هم یکی از فتواهای هیبردان زرتشتی درباره ازدواج با محارم در آیین زرتشتی:

ازدواج با محرم، با هریک از سه (مادر، خواهر، دختر) قطع نظر از سن، ازدواج کامل محسوب می شود به این جهت اگر هم فرزندی به وجود نیاید، ثواب این ازدواج کاهش نمی پذیرد.^(۱۰)

شبهات مبلغان زرتشتی:

گاهی می گویند که قرآن به زبان عربی و برای عرب ها آمده است نه برای پارسی زبانان که زبان قرآن را نمی فهمند! پاسخ اینست که،

اولاً: پارسی زبانان امروز هم، زبان اوستایی (که به «سانسکریت» نزدیک است) را نمی فهمند، و با فارسی دری - که ما بدان سخن می گوئیم - از زمین تا آسمان فاصله دارد. پس شما باید فارسی زبانان امروز را هم به زرتشتیگری و کتاب اوستا فرا نخوانید و دست از تبلیغ بردارید!

ثانیاً: قرآن هر چند به زبان عربی نازل شده ولی خطابش: (يَتَأْتِيهَا الْاِنْسَانُ) و (يَتَأْتِيهَا الْاِنْسَانُ) و (يَلْبَسِي عَادَمَ) است و نفرموده: «يا أيها العرب!» بلکه تصریح فرموده که برای جهانیان آمده است، چنانکه می فرماید:

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ : [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست. (تکویر/ ۲۷)

و در باره پیامبر اسلام فرموده:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ : تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (انبیاء/ ۱۰۷)

باز می فرماید:

قُلْ يَتَأْتِيهَا الْاِنْسَانُ إِنَّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا : بگو: ای مردم من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.

(أعراف/ ۱۵۸)

و در میان اصحاب پیامبر ﷺ افراد رومی و فارسی و حبشی بودند، چنانکه صهیب رومی و بلال حبشی و سلمان پارسی وجود داشتند و پیامبر اسلام ﷺ به آنها نفرمود که من بر شما رسالت ندارم و دست از مسلمانی بازدارید(!) و به آئین پدران خود برگردید. بلکه برعکس، پیامبر ﷺ برای شاه ایران (خسرو پرویز) و پادشاه حبشه (نجاشی) و امپراتور روم (هرقل) نامه نوشت و آنها را به دین اسلام فرا خواند، چنانکه در تواریخ معتبر آمده است.

ثالثاً: لازمست حقایق به زبانی بیان شود که مورد پذیرش قرار گیرد؛ و عربی و پارسی و انگلیسی و روسی و... تفاوت نمی کند. مثلاً، امروز دانشمندان غرب آثار خود را در پزشکی و تاریخ و فلسفه و علوم، غالباً به زبان انگلیسی می نویسند، آیا این دلیل می شود که ما ادعا کنیم آرای علمی آنها را نمی پذیریم، چون به زبان انگلیسی نگاشته شده و زبان مادری ما پارسی است؟!

(۱۰) - به کتاب روایت «امید آشوبهستان» صفحه ۱۸۱ و ۱۸۲ که به وسیله خانم دکتر نزهت صفای اصفهانی از متن پهلوی به فارسی ترجمه شده نگاه کنید، ضمناً به جلد ۲ وندیداد، با پژوهش آقای هاشم رضی، ص ۹۲۵ به بعد هم بنگرید.

گاهی می گویند: اسلام را سلمان پارسی اختراع نموده و به محمد آموخته است!

پاسخ آن است که - به گزارش تواریخ- سلمان در مدینه به حضور پیامبر ﷺ رسید نه در مکه! و در آن هنگام ۱۳ سال از دعوت پیامبر می گذشت و قریب ۸۰ سوره از قرآن نازل شده بود، و در این مدت خبری از سلمان نبود. سپس او که برده شده بود، بدست مسلمانان آزاد گشت و به شرف اسلام نائل آمد. ایشان تابع بودند نه متبوع، و مرید بودند نه مراد!

گاهی می گویند: آئین زرتشت برتر از سایر ادیان است، چون بر «پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک» تکیه دارد.

پاسخ آن است که همه ادیان به اندیشه و سخن و عمل پسندیده سفارش نموده اند. منتها، اختلاف بر سر آن است که پندار و گفتار و کردار نیک کدام است؟ آیا شما گمان می کنید که اندیشه شرک آمیز و پرستش فرشتگان و شستشو با ادرار گاو و ازدواج با محارم از جمله پندارها و کردار نیک اند؟!

گاهی هم می گویند: اسلام با دشمنان و مخالفان خود ستیزه می کند، ولی آئین زرتشت دین آشتی و نرمی است! پاسخ آن است که، متأسفانه آگاهی شما از آئین خودتان ناقص است. در «گاتها»، که کهن ترین و مطمئن ترین بخش اوستا شمرده می شود، چنین آمده است:

جای فساد و زوال از آن کسی است که به دین دروغین^(۱۶) گرویده است، این خوارشمرندگان آئین مقدس برآند که دینداران را پست نمایند، و تن آنان به گناه آلوده است. کجاست نگهبان آئین آن سرور دادگر، تا آنان را از زندگی و آزادی بی بهره سازد؟ (گاتها، ترجمه ابراهیم پور داود، صفحه ۱۴۷).

برگرفته از مقاله

«آئین زرتشت از دیدگاه ما»

محقق: مصطفی حسینی طباطبایی

(با تلخیص و اندکی دخل و تصرف)

(۱۶)- منظور، دینی است غیر از زرتشتی.